

۰۰۷، ۰۱۶ - ۰۰۷، ۰۱۷

دوستی و پیشنهاد ۲۰۰۷ - ۰۱۷ تا ۰۱۸ و ۰۱۹ و ۰۲۰

دوستی و پیشنهاد ۰۱۸ تا ۰۱۹

مویان

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

لیست اندکی از اینها را در متن معرفی کنید.

۰۱۰، ۰۱۱ - ۰۱۰، ۰۱۱ لیست اینها را در متن معرفی کنید.

۰۱۱ - ۰۱۲ - ۰۱۳ - ۰۱۴ - ۰۱۵ - ۰۱۶ - ۰۱۷ - ۰۱۸

شیرین نوری و ناصر دنیاع

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

با هم و اخراج

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

دوستی و پیشنهاد

گوساله

و

دونده دو استقامت

ع. غالی

تسلیمان روزان

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

ترجمه اصغر نوری

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

رستم احمدی

۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

دوستی و پیشنهاد



آلبوم: ۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

دانلود: ۰۰۷، ۰۱۷ - ۰۰۷، ۰۱۸

www.moo-reagent.com

مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۳

آن وقت‌ها، من نوجوان بودم.

آن وقت‌ها، من شیطان‌ترین نوجوان روستا بودم.

آن وقت‌ها، من تحمل ناپذیرترین نوجوان روستا هم بودم.

عداب آورترین چیز نوجوانی از این دست، این است که نمی‌فهمد مردم چقدر از او بیزارند. همیشه می‌رود خودش را جایی می‌چاند که اتفاقی در آن می‌افتد. هر کس هر چیزی که بگوید یا از هر چیزی که حرف بزند، او گوش‌هایش را تیز می‌کند؛ سر در بیاورد یا نه، باید در بحث شرکت کند. وقتی چیزی می‌شنود یا می‌بیند، گشته توی روستا می‌زند و آن را برای همه تعریف می‌کند: اگر به بزرگسالی بربخورد، از آن برایش حرف می‌زند؛ اگر به یک بچه بربخورد، برای او هم از آن حرف می‌زند؛ اگر به هیچ کس بربخورد، با خودش حرف می‌زند، انگار اگر جمله‌ای را پیش خودش نگه دارد، دلش می‌ترکد. به اشتباه خیال می‌کند دیگران دوستش دارند. قادر است دست به هر حماقتی بزند تا دیگران دوستش بدارند.

مثلاً، آن بعد از ظهر، گروهی از روستائیان بیکار زیر درخت بید کنار چشم‌هه ورق بازی می‌کردند؛ نزدیک شدم و برای جلب توجه